

کتاب دانیال — شماره شصت و هفت

بصیرت‌های نبوی: اسلام، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، و روز باد شرقی

Jeff Pippenger

2024-01-31

اسلام مصیبت سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ وارد تاریخ نبوت شد، و بی‌درنگ مهار گردید. در آن زمان باران آخر آغاز به باریدن کرد، اما «پیموده» بود.

به اندازه، آنگاه که آن را می‌روپاند، با آن محاجّه خواهی کرد؛ او باد تند خویش را در روز باد شرقی باز می‌دارد. پس بدین وسیله گناه یعقوب کفاره خواهد شد؛ و تمامی ثمره این است که گناه او برداشته شود؛ آنگاه که همه سنگ‌های مذبح را همچون سنگ‌های گچ که خرد و شکسته شده‌اند بگرداند، بیشه‌ها و تمثال‌ها برپا نخواهند ماند. اما شهر مستحکم ویران خواهد شد، و مسکن متروک گشته، چون بیابان واگذاشته خواهد شد؛ در آنجا گوساله خواهد چرید، و در آنجا خواهد خوابید، و شاخه‌های آن را خواهد خورد. چون شاخه‌هایش خشک شوند، شکسته خواهند شد؛ زنان می‌آیند و آنها را در آتش می‌افکنند؛ زیرا این قومی بی‌فهم است؛ از این‌رو آن که ایشان را آفرید بر آنان ترحم نخواهد کرد، و آن که ایشان را صورت بخشید بر ایشان شفقت نخواهد نمود. و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند از مجرای نهر تا وادی مصر خوشه‌چینی خواهد کرد، و شما، ای بنی‌اسرائیل، یک‌به‌یک جمع آورده خواهید شد. و در آن روز واقع خواهد شد که کرنای عظیم نواخته خواهد شد، و آنان که در سرزمین آشور در آستانه هلاکت بودند، و رانده‌شدگان در سرزمین مصر، خواهند آمد و خداوند را بر کوه مقدس در اورشلیم عبادت خواهند نمود. اشعیا ۶: ۲۷-۱۳.

"مشرقی هوا کا دن" بعد کی بارش کی آمد، اور نیز تیسرے افسوس کے اسلام کی نشان دہی کرتا ہے۔ یہ اُس تاریخ کے آغاز کو بھی معین کرتا ہے جس میں "یعقوب کی بدکاری دور کی جاتی ہے۔" مشرقی هوا کا دن 11 ستمبر 2001 کو آیا، اور اسی مقام پر زندوں کی عدالت شروع ہوئی۔ زندوں کی عدالت تیسرے فرشتے کا اختتامی کام ہے، اور وہیں ایک لاکھ چوالیس ہزار کے گناہوں کے اٹھائے جانے کا آغاز ہوا۔ اسی مراد کو یسعیاہ نے "اسی سے" لکھتے وقت بیان کیا۔

الفاظ پیش از «به این» چنین است: «به اندازه، چون آن بروید، با آن محاکمہ خواهی کرد؛ او باد تند خود را در روز باد شرقی باز می‌دارد.» «به این» در پی آن است که حقایق معین آزمون‌کننده‌ای را مشخص سازد که گناه را از کسانی که به مثابه یعقوب نمایش داده شده‌اند، پاک می‌کند. این حقایق، آن روپداد (9/11) را در بر می‌گیرد که ورود باران آخر را نشان می‌دهد. این حقایق، تعریف باران آخر را به مثابه «پیام» در بر می‌گیرد، و آن «پیام»، اسلام است. همچنین شامل این حقیقت است که «باد شرقی» اسلام وای سوم است، و نیز ویژگی نبوی بازداشت متعاقب اسلام (باز می‌دارد) را در بر می‌گیرد.

خود آزمایش به وسیله «مباحثه» نمود یافته است؛ مباحثه‌ای که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. ارمیا، آنگاه که نماینده نخستین نومیدی بود، اندرز داده شد که «بازگردد» نزد خدا و گران‌بها را از خبیث جدا سازد. «ثمر» پیام آزمایش، دو طبقه از پرستندگان را پدید می‌آورد.

داوری احمقان چنین به تصویر کشیده شده است: «آنگاه که او همه سنگ‌های مذبح را همچون سنگ‌های گچ که خرد و متلاشی شده‌اند بسازد، بیشه‌ها و تمثال‌ها برپا نخواهند ماند.» اشعیا به آن اعلام داوری علیه کسانی اشاره می‌کند که در باب‌های بیست و هشت و بیست و نه همه چیز را وارونه می‌سازند. ایشان همان کسانی‌اند که کتاب مهرشده را نمی‌توانند فهم کنند. کار (ثمر) شیران باید همچون گل کوزه‌گر به شمار آید.

پس اینک، من بار دیگر در میان این قوم کاری شگفت‌انگیز و عجیب به عمل خواهم آورد؛ زیرا حکمتِ حکیمان ایشان نابود خواهد شد، و فهمِ فهیمان ایشان پنهان خواهد گردید. وای بر آنان که ژرف می‌کوشند تا مشورت خویش را از خداوند پنهان دارند، و اعمالشان در تاریکی است، و می‌گویند: «کیست که ما را ببیند؟ و کیست که ما را بشناسد؟» به راستی که وارونه ساختن امور از سوی شما همچون گلِ کوزه‌گر به شمار خواهد آمد؛ زیرا آیا ساخته درباره سازنده خویش خواهد گفت: «او مرا نساخته است؟» یا آیا آنچه شکل یافته است درباره شکل‌دهنده خویش خواهد گفت: «او فهمی نداشت؟» اشعیا 14: 29-16.

کار شیرین همچون گلِ کوزه‌گر خواهد بود، و در باب بیست‌وهفتم کار ایشان به شیوه‌ای مشابه به تصویر کشیده شده است، چونان سنگ‌های گچی که درهم کوبیده می‌شوند. گچ یا گلِ کوزه‌گر به آسانی به پودر کوبیده می‌شود، و نمادِ عمل ساختن «همه سنگ‌های مذبح را مانند سنگ‌های گچی که خرد و شکسته می‌شوند»، و نیز دربرگرفتنِ عمل فرو ریختن «بیشه‌ها و بت‌ها»، به گونه‌ای که «برپا نخواهند ماند»، همان کاری است که به وسیله اصلاحات یوشیای پادشاه نمایان شده است. در احیاء و اصلاح نهایی، که به وسیله اصلاحات یوشیا نمود یافته است، ساختار سازمانی آدونیتیست ویران خواهد بود، زیرا «شهر مستحکم ویران خواهد شد، و مسکن متروک گردیده، مانند بیابان واگذاشته خواهد شد.» همه اعمال ایشان، یعنی هزاران کلیسا، مدرسه، کالج، دانشگاه، بیمارستان، و ساختمان اداری در سراسر جهان، از دیدگاه نبوی به پودری بی‌ارزش کوبیده خواهند شد.

ارکان کلیسیا نیز ویران خواهند شد، زیرا آن «قوم بی‌فهم» همچون «شاخه‌های» «خشکیده» خواهند بود که «شکسته خواهند شد» و «در آتش افکنده خواهند شد»، زیرا «آن‌که ایشان را آفرید، بر آنان رحم نخواهد کرد، و آن‌که ایشان را صورت بخشید، بر ایشان التفات نخواهد نمود.»

هنگامی که جدایی‌ای که به واسطه پیام آزمایش‌کننده تحقق می‌یابد کامل شود، صدای دوم مکاشفه، باب هجدهم، گله دیگر خدا را از بابل فرا می‌خواند؛ زیرا در آن روز «واقع خواهد شد» که «شیپور عظیم نواخته خواهد شد، و آنان که در سرزمین آشور آماده هلاکت بودند، و رانده‌شدگان در سرزمین مصر، خواهند آمد و یهوه را بر کوه مقدس در اورشلیم عبادت خواهند کرد.»

به عبارت (اشعیا ستائیس، آیات آٹھ سے تیرہ) جسی پر ہم غور کر رہے ہیں، اُس نبوی تاریخ کی نشان دہی کرتی ہے جو 11 ستمبر 2001 کو شروع ہوئی، اور اُن لوگوں کی آزمائش اور تطہیر کو واضح کرتی ہے جو آخرکار خدا کے دوسرے گلے کو بابل سے باہر بلائیں گے۔ اسی باب کی ابتدائی آیات اُس گیت کی نشاندہی کرتی ہیں جو بعینہ اسی تاریخ کے دوران گایا جانا ہے۔

در آن روز برای او بسرایید: «تاکستانی از شراب سرخ.» من، خداوند، نگاهبان آن هستم؛ هر لحظه آن را آب می‌دهم؛ مبادا کسی به آن آسیب رساند، شب و روز از آن محافظت می‌کنم. خشم در من نیست؛ چه کسی خارها و خس‌ها را در جنگ در برابر من برپا خواهد کرد؟ از میانشان خواهم گذشت، و همه را با هم خواهم سوزانید. یا بگذارید به قوت من چنگ زند، تا با من صلح کند؛ و با من صلح خواهد کرد. او سبب خواهد شد آنان که از یعقوب‌اند ریشه بدوانند؛ اسرائیل شکوفه خواهد آورد و خواهد رویید، و روی جهان را از میوه پر خواهد ساخت. آیا او را چنان زده است که زندگان او را زده بود؟ یا آیا او مطابق کشتار کسانی که به دست او کشته شدند، کشته شده است؟ اشعیا 2: 27-7.

نغمه تاکستان، نغمه‌ای است که نخست قوم خدا را به منزله تاکستانی معرفی می‌کند که او آن را محبت نموده و از آن مراقبت کرده است. سپس وعده پذیرش را برای هر که بخواد به عدالت مسیح تمسک جوید، عرضه می‌دارد. آنگاه وعده افاضه روح‌القدس را، که به وسیله دو مرحله باران نمود یافته است، مشخص می‌سازد. مرحله نخست باران، شکوفه‌ها و غنچه‌ها را به حیات می‌آورد، و مرحله

دوم، زمین را از میوه لبریز می‌سازد.

ترانهٔ تاکستان، سرودی است که دورهٔ زمانی‌ای را مشخص می‌سازد که خدا از کنار قومی که پیش‌تر برگزیده شده بودند می‌گذرد، در حالی که با قومی برگزیدهٔ جدید داخل عهد می‌شود. آیات هشت و پس از آن، صرفاً آیات آغازین این فصل را تکرار کرده و بر آن بسط می‌دهند. آیهٔ نخست این فصل همان رویدادی را مشخص می‌کند که در آیهٔ هشت از آن به عنوان «روز باد شرقی» یاد شده است.

در آن روز خداوند با شمشیر سخت و عظیم و نیرومند خویش، لویاتان، آن مار گریزان، یعنی لویاتان، آن مار پیچان را مجازات خواهد کرد؛ و اژدهایی را که در دریاست، خواهد کشت. اشعیا 27:1

اژدها شیطان است، اما به معنایی ثانوی، روم بت‌پرست نیز بود.

«پس، در حالی که اژدها، در معنای نخستین، نمایندهٔ شیطان است، در معنایی ثانوی، نماد روم بت‌پرست نیز هست.» نبرد عظیم، 439.

ده پادشاه روم بت‌پرست، در فصل هفتم دانیال و در فصل دوازدهم مکاشفه، نمایانگر ده پادشاه مذکور در مکاشفه هفده در ایام آخر هستند.

«پادشاهان و حاکمان و والیان، نشان ضد مسیح را بر خود نهاده‌اند، و به صورت اژدهایی تصویر شده‌اند که می‌رود تا با مقدسان—با آنان که احکام خدا را نگاه می‌دارند و ایمان عیسی را دارند—جنگ کند.» شهادت‌ها برای خادمان، 38.

آیهٔ نخست اشعیا ۲۷ آغاز دآوری اژدها را مشخص می‌سازد؛ دآوری‌ای که در روز باد شرقی، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آغاز شد. دآوری پادشاهان زمین و شرکای بازرگان جهانی‌گرای ایشان، هنگامی به انجام می‌رسد که ساختار مالی زمین به وسیله «باد شرقی»، در میان «دریاها»، نابود شود.

زیرا اینک پادشاهان گرد آمدند؛ با هم گذشتند. آن را دیدند، پس در شگفت شدند؛ مضطرب گشتند و شتابان گریختند. در آنجا ترس ایشان را فرو گرفت، و درد، مانند درد زن در حال زایمان. تو کشتی‌های ترشیش را با باد شرقی درهم می‌شکنی. مزامیر 48:7-7

اشعیا باب بیست و هفتم، آیات یک تا هفت، در آیات هشت تا سیزده تکرار شده و بسط داده می‌شود. این آیات آشکار می‌سازند که در «روز باد شرقی» پادشاهان و تاجران زمین با ترس روبه‌رو خواهند شد، و ترس ایشان از آن نقطه به بعد در طول تاریخ شدت می‌یابد. آن ترس، حرکات نامنتقی و شتاب‌زدهٔ جهانی‌گرایان مترقی سیارهٔ زمین را از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به این سو آشکار می‌سازد، آنگاه که برنامهٔ خود را فراتر و تهاجمی‌تر از آنچه به‌طور منطقی انتظار می‌رود، پیش می‌برند. شیطان، و نمایندگان او، یعنی تاجران و پادشاهان زمین (جهانی‌گرایان)، به‌عنوان نمادهای اژدها، می‌دانند که وقت ایشان کوتاه است.

پس ای آسمان‌ها و ای ساکنان آن‌ها، شادی کنید. وای بر ساکنان زمین و دریا! زیرا ابلیس با خشمی عظیم نزد شما فرود آمده است، چون می‌داند که زمانی اندک دارد. مکاشفه 12:12.

روز باد شرقی، که بحران اقتصادی سال 2001 را پدید آورد و از آن زمان تاکنون، هرچند رسانه‌های جهانی‌گرایان بکوشند خلاف آن را ادعا کنند، تنها وخیم‌تر شده است، همان مسئله‌ای است که جهان در آن هنگام با آن روبه‌رو می‌شود که اژدها می‌داند زمانش کوتاه است. آنگاه او تحرکات خود را برای سلطه بر تمامی زمین تشدید می‌کند، و این را در هنگامی انجام می‌دهد که «وای» (سومین وای) بر «ساکنان زمین و دریا» نازل می‌شود.

ورود اسلام وای سوم (باد شرقی) در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فاجعه‌ای اقتصادی پدید آورد که جهان‌گرایان را وادار کرده است تلاش‌های خود را برای تحمیل یک حکومت واحد جهانی بر سیاره زمین شتاب بخشند. با این همه، اسلام همچنان به ایفای نقش خود ادامه می‌دهد. شاید جدی‌ترین مکاشفه درباره اسلام به‌عنوان نمادی در نبوت کتاب مقدس، در نخستین اشاره به اسلام یافت شود.

رخنا इश्माएल नाम उसका और, जनेगी पुत्र एक और, है गर्भवती तू, देख, कहा उससे ने दूत के यहोवा और के सब हाथ उसका; होगा मनुष्य समान के वनगदहे वह और है। लिया सुन को दुःख तेरे ने यहोवा क्योंकि उत्पत्तिकरेगा। वास साम्हने के भाइयो सब अपने वह और; वरिद्ध उसके हाथ का सब और, होगा वरिद्ध
16:11, 12

کلام خدا هرگز از کار نمی‌افتد. همچنان که اسلام، همچون زنی در حال درد زایمان، پیوسته درد و رنج پدید می‌آورد، برخی—even اگر بپذیرند که اسلام در نبوت کتاب مقدس شناسایی شده است—هنوز نتوانسته‌اند حقیقت آشکار موجود در آن دو آیه را درک کنند. برخی شاید بفهمند که این اسلام است که هر مردی را بر سراسر زمین گرد می‌آورد تا در برابر دشمنی مشترک بایستند، و البته این درست است. با این حال، عبارت پایانی آیه حقیقتی بس جدی‌تر را بیان می‌کند. جهان در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به لرزه درآمد، و اخیراً نیز بار دیگر از حمله هفتم اکتبر امسال حماس علیه اسرائیل تکان خورد. اما هیچ‌کس حاضر نیست ببیند که روح جنگ و هلاکت ناگهانی «در حضور همه» برادران اسماعیل است.

جب سعودی عرب، متحدہ عرب امارات، قطر، کویت، برونائی اور بحرین جیسے اسلامی ممالک کی جانب سے ایک اچانک حملہ کیا جائے گا تو کس نوع کی تباہی برپا کی جائے گی؟ اسماعیل کی روح "اپنے سب بھائیوں" میں ہے، اور اب تک افغانستان یا عراق جیسے ممالک کی طرف سے تیسرے افسوس کے ساتھ جو جنگ برپا ہوئی ہے، وہ اس وقت بالکل مختلف ہوگی جب اسماعیل کی نبوت پوری طرح مکمل ہوگی۔ پاکستان کے پاس کتنے ایٹمی بم ہیں؟

ویژگی نبوی جنگاوری اسلامی، چنان‌که در نخستین و دومین «وای» اسلامی آشکار شد، حملات ناگهانی و غافلگیرانه است. آیا در کشورهای اسلامی ثروتمند، منابع مالی کافی وجود دارد تا به‌طور پنهانی جنگ‌افزاری را که پیشرفته‌تر و مرگبارتر از هواپیماهای مملو از سوخت، بمب‌های خودرویی، لاستیک‌های آتش‌زده، تجاوز و چاقوها باشد، تأمین یا تولید کنند؟ آیا باید به کلام خدا ایمان آورد؟

تمام جواهر رؤیای میلر در ایام آخر به حقایق آزمون‌کننده بدل می‌شوند، حتی اگر از این بیشتر نباشد که واقعیت رد شدن آن حقایق و این‌که نبوت معین می‌کند که آن‌ها بازگردانده خواهند شد. اما برخی از آن جواهرات، مانند کار مسیح در قدس آسمانی و اسلام ویل سوم، پیشگویی‌هایی را مشخص می‌سازند که فقط در همان ایام بسیار آخر تحقق می‌یابند. یکی نمایانگر کار مسیح در قدس‌الاقداص است، که بی‌تردید حقیقتی آزمون‌کننده برای زمان حاضر است، و دیگری پیام فریاد نیمه‌شب را مشخص می‌سازد، که آن نیز بار دیگر حقیقتی آزمون‌کننده برای زمان حاضر است.

نخی که جنبش میلری و زمان پایان در سال 1989 را - که به نوبه خود جنبش یک‌صد و چهل و چهار هزار را معرفی می‌کند - به هم می‌بافد، «هفت زمان» است؛ همان که نخستین جواهر میلر بود و نخستین چیزی که هنگامی که ادونتیسیم از طریق‌های قدیم منحرف شد، کنار گذاشته شد. یک‌صد و بیست و شش سال، از شورش 1863 تا زمان پایان در 1989، نمایانگر «هفت زمان» است. عدد دو هزار و پانصد و بیست به دو دوره یک‌هزار و دویست و شصت تقسیم شد، و یک‌دهم، یا عشر یک‌هزار و دویست و شصت، یک‌صد و بیست و شش است. سنگی که بنایان رد کردند، چنان درازدامن است که نخستین و آخرین جنبش‌های سه فرشته را به هم پیوند می‌دهد. و بدین‌سان آشکار می‌سازد که حقیقت «هفت زمان» همچنین حقیقتی آزمونگر برای زمان حاضر است، و اینکه این همان حقیقتی است که دیگر صرفاً سنگ بنیاد نمی‌ماند، بلکه رأس زاویه می‌گردد.

اکنون بررسی خود را درباره افزایش معرفت در جنبش میلری، که به وسیله رؤیای نهر اولای در کتاب دانیال نمایانده شده است، کنار می‌گذاریم و توجه خویش را به رؤیای نهر حداقل معطوف می‌سازیم که افزایش معرفت را در جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نمایندگی می‌کند.

سپس به بررسی چهار نسل ادونتیسیم خواهیم پرداخت که یک‌صد و بیست‌وشش سال میان ۱۸۶۳ تا ۱۹۸۹ را در بر می‌گیرد.

ما آن مطالعه را در مقاله بعدی آغاز خواهیم کرد.

و در سال ششم، در ماه ششم، در روز پنجم ماه، چون در خانه خود نشسته بودم و مشایخ یهودا پیش روی من نشسته بودند، دست خداوند یهوه در آنجا بر من فرود آمد. آنگاه نگریستم، و اینک هیأتی چون منظر آتش: از منظر کمرش به پایین، آتش؛ و از کمرش به بالا، همچون منظر درخشندگی، مانند رنگ کهربا. و او صورت دستی را دراز کرد و مرا از گیسویی از سرم گرفت؛ و روح، مرا در میان زمین و آسمان برکشید و در رؤیاهای خدا به اورشلیم آورد، به در دروازه اندرونی که به سوی شمال می‌نگرد؛ جایی که جایگاه تمثال غیرت بود، که غیرت را برمی‌انگیخت. و اینک جلال خدای اسرائیل در آنجا بود، موافق رؤیایی که در هامون دیده بودم. آنگاه به من گفت: ای پسر انسان، اکنون چشمان خود را به سوی شمال بردار. پس چشمان خود را به سوی شمال برداشتم، و اینک در جانب شمال، نزد دروازه مذبح، این تمثال غیرت در مدخل بود. و باز به من گفت: ای پسر انسان، آیا می‌بینی که ایشان چه می‌کنند؟ همان رجاسات عظیمی را که خاندان اسرائیل در اینجا به‌جا می‌آورند، تا من از مقدسم دور شوم؟ لیکن باز دیگر بار برگرد، و رجاسات بزرگ‌تر خواهی دید. و مرا به در صحن آورد؛ و چون نگریستم، اینک سوراخی در دیوار بود.

پس به من گفت: «ای پسر انسان، اکنون دیوار را بکن.» و چون دیوار را کندم، اینک دری پدیدار شد. و به من گفت: «درآی، و اب‌ominationهای شیرانه‌ای را که ایشان در اینجا به‌جا می‌آورند، بنگر.» پس داخل شدم و دیدم؛ و اینک هر گونه صورت خزندگان، و جانوران مکروه، و همه بت‌های خاندان اسرائیل، بر گرداگرد دیوار نقش شده بود. و در برابر آنها هفتاد مرد از مشایخ خاندان اسرائیل ایستاده بودند، و در میان ایشان یعزئیه پسر شافان ایستاده بود، و هر مرد مجمره خود را در دست داشت؛ و ابر غلیظی از بخور بالا می‌رفت. آنگاه به من گفت: «ای پسر انسان، آیا دیده‌ای که مشایخ خاندان اسرائیل در تاریکی چه می‌کنند، هر یک در حجره‌های صورت‌های خیالی خویش؟ زیرا می‌گویند: یهوه ما را نمی‌بیند؛ یهوه زمین را ترک کرده است.» و باز به من گفت: «بار دیگر روی بگردان، و abominationهای بزرگ‌تری را که ایشان می‌کنند خواهی دید.» سپس مرا به در دروازه خانه یهوه که به سوی شمال بود آورد؛ و اینک زنانی در آنجا نشسته بودند و برای تموز می‌گریستند. آنگاه به من گفت: «ای پسر انسان، آیا این را دیده‌ای؟ بار دیگر روی بگردان، و abominationهای بزرگ‌تری از اینها خواهی دید.» و مرا به صحن داخلی خانه یهوه برد؛ و اینک نزد در هیکل یهوه، در میان ایوان و مذبح، قریب به بیست و پنج مرد بودند که پشت‌هایشان به سوی هیکل یهوه و روی‌هایشان به سوی مشرق بود؛ و به سوی مشرق خورشید را می‌پرستیدند. سپس به من گفت: «ای پسر انسان، آیا این را دیده‌ای؟ آیا برای خاندان یهودا امری سبک است که این abominationها را که در اینجا به‌جا می‌آورند مرتکب می‌شوند؟ زیرا ایشان زمین را از ظلم و ستم پر کرده‌اند، و بازگشته‌اند تا مرا به خشم آورند؛ و اینک شاخه را به بینی خود می‌نهند. بنابراین من نیز در غضب رفتار خواهم کرد: چشمم شفقت نخواهد کرد، و رحم نخواهم نمود؛ و اگرچه با آواز بلند در گوش‌هایم فریاد کنند، ایشان را نخواهم شنید.» حزقیال 1: 8-18.